

Eponymous of Diseases Based on Mythology, Literature, and Art

Farnamian Y (M.S.)¹, Rasmi A (Ph.D.)^{2*}

¹Medical Student, Student Research Committee, Urmia University of Medical Sciences, Urmia, Iran

²Associate professor of Persian Languages and Literature, Azarbaijan Shahid Madani University, Tabriz, Iran

Abstract

Language includes various tools that are very important in communication and the transfer of experiences. Abbreviations, similes, metaphors, ironies, puns, repetitions, and synonyms play an essential role in this regard. An eponym is another linguistic tool that is effective in communication. Eponymes or aliases also appear in the field of science, especially medicine. These eponyms are derived from the names of physicians, scientists, nurses who first reported the disease or provided treatment or patients who first reported the disease or the area where the disease broke out. The use of eponyms in medical science has its supporters and opponents. Nevertheless, they are known to enrich medical science.

This article descriptively studies the manifestation of myths and literary and artistic figures in the eponym of diseases.

Of the twenty eponyms mentioned in this article, nine (Ulysses, Hercules, Pan, Proteus, Syringomili, Cyclopia, Gigantesm, Satyr, Phobia) refer to Greek and Roman mythological heroes and gods, and literary figures and other works of art. In addition, five cases (Alice in Wonderland, Pickwicken, Humpty Dumpty, Aguchik and Robin Hood) are related to English literature, three cases (Ondine's curse - which of course is the origin of this story -, Baron Munchhausen, Straw Peter) to German literature, one case (Lazarus syndrome) to the Bible, and two cases to Da Vinci's masterpiece from Italy (Mona Lisa) and the works of Pieter Bruegel from Holland.

Eponyms are sometimes associated with myths and characters in literary and artistic works since pain and suffering have accompanied humans throughout history and humans have tried to show this issue using eponyms.

Keywords: Humans, Eponyms, Medicine, Metaphor, Myth

Sadra Med Sci J 2023; 11(2): 191-210.

Received: Oct. 1st, 2022

Accepted: Jan. 1st, 2023

*Corresponding Author: **Rasmi A.** Associate professor of Persian Literature and Language, Azarbaijan Shahid Madani Azarbayjan University, Tabriz, Iran, rasmi1390@yahoo.com

مجله علوم پزشکی صدرا

دوره ۱۱، شماره ۲، بهار ۱۴۰۲، صفحات ۱۹۱ تا ۲۱۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۰۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۱۱

مقاله مروری
(Review Article)

اپونیم بیماری‌ها بر مبنای اساطیر و ادبیات و هنر

یگانه فرنامیان^۱، عاتکه رسمی^{۲*}

^۱ دانشجوی پزشکی، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی ارومیه، ارومیه، ایران
^۲ دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران

چکیده

زبان شامل انواع ابزارهایی است که این ابزارها در ارتباطات و انتقال تجربیات بسیار اهمیت دارند. کلمات اختصاری، تشبیه، استعاره، کنایه، مجاز، جناس، تکرار، مترادفات در این ارتباط نقش مؤثری دارند. اپونیم (Eponym) ابزار زبانی دیگری است که در ایجاد ارتباط مؤثر است. اپونیم در زبانشناسی به فرد، محل یا شیئی گفته می‌شود که نام قوم یا مکانی از نام او گرفته شده باشد. اپونیم‌ها نه تنها در زبان عامیانه بلکه در علوم، مخصوصاً علم پزشکی نیز نمود دارند.

این مقاله به روش توصیفی و تحلیلی اپونیم‌های بیماری‌ها را که با اساطیر و آثار ادبی و هنری پیوند یافته‌اند، مورد بررسی قرار می‌دهد.

از بیست مورد اپونیم مطرح در این مقاله نه مورد (اولیس، هرکول، پان، پروتئوس، سیرنگومیلی، سیکلوپیا، ژیگانتسم، ساتیر، فوبیا) به قهرمانان و خدایان اسطورهای یونان و روم، و شخصیت‌های ادبی و دیگر آثار هنری نموده‌های دیگر اپونیم در حوزه علم پزشکی هستند که در این میان پنج مورد (آلیس در سرزمین عجایب، پیک ویکن، هامپتی دامپتی، آگوچیک و رابین هود) به ادبیات انگلستان و سه مورد (نفرین اوندین- که البته اصل این داستان یونانی است- بارون مونشهاوزن، استراو پیتتر) به ادبیات آلمان، یک مورد (سندرم لازاروس) به کتاب مقدس، دو مورد به آثار هنری شاهکار داوینچی از ایتالیا (مونالیزا) و آثار پیتتر بروگل از هلند ارتباط دارد.

اپونیم‌ها گاه با اساطیر و شخصیت‌های آثار ادبی و هنری پیوند می‌یابند که در این میان میزان پیوند اپونیم‌های بیماری به اساطیر یونان و روم و ادبیات انگلستان و آلمان بیشتر است.

واژگان کلیدی: انسان‌ها، اپونیم‌ها، پزشکی، استعاره، اسطوره

* نویسنده مسئول: عاتکه رسمی، دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران.

rasmi1390@yahoo.com

مقدمه

سلول‌های لوسمیک را توصیف کرد، از دیگر پزشکیانی است که تلاش وی در زمینه‌ی پزشکی، به نام‌گذاری چندین اپونیم منجر شده است. برخی از اصطلاحات برگرفته از نام او عبارتند از: سندرم ویرچو^۸ (نوعی تخریب آمیلوئید)، گره ویرچو^۹ (متاستاز به غدد لنفاوی سوپراکلاویکلار چپ) و سه‌گانه‌ی ویرچو^{۱۰} (سه عاملی که باعث ترومبوز می‌شوند) (۵). جان هالینگز جکسون^{۱۱} (۱۸۳۵-۱۹۱۱) نیز متخصص مغز و اعصاب انگلیسی بود که بیشتر به‌خاطر تحقیقاتش در زمینه‌ی صرع شناخته شده است و از این‌رو نوعی بیماری با عنوان صرع جکسونی^{۱۲} به او نسبت داده شده است. گاه اپونیم‌ها از نام یک پرستار گرفته شده‌اند؛ مانند ضایعه‌ی متاستاتیک ناف که بنا به تشخیص جولیا دمپسی^{۱۳} معروف به مری جوزف^{۱۴} به نام گره یا ندول خواهر مری جوزف^{۱۵} معروف شد. وی دستیار جراحی دکتر ویلیام جیمز مایو^{۱۶} بود که کلینیک مایو را تأسیس کرد (۶).

اپونیم‌ها گاه نه از نام پزشک و پرستار، بلکه از نام کسی که بدان بیماری مبتلا شده است، نشأت می‌گیرند. شاید معروف‌ترین مورد نام‌گذاری بیماری با نام بیمار، بیماری لوگریگ^{۱۷} باشد که جانشین اصطلاح^{۱۸} (اسکلروز جانبی آمیوتروفیک) شد. لوگریگ که هنوز هم به‌عنوان اسب آهنی شناخته می‌شود، بازیکن برتر بیس‌بال آمریکایی بود که این بیماری اولین بار درباره‌ی او گزارش شد. بیماری دیگری که به‌عنوان اپونیم شناخته شده است، بیماری کریسمس^{۱۹} یا هموفیلی B است. این بیماری، به نام استفان کریسمس^{۲۰}، اولین بیمار توصیف‌شده با این

اپونیم در زبان‌شناسی به فرد، محل یا شیئی گفته می‌شود که نام قوم یا مکانی از نام او گرفته شده باشد. اپونیم‌ها نه‌تنها در زبان عامیانه، بلکه در علوم، به‌ویژه علم پزشکی نیز نمود دارند. در علم پزشکی بیماری‌ها، علائم، نشانه‌ها، روش‌ها یا ابزارهای جراحی و آزمایشگاهی، آزمایش‌های بالینی و همچنین ساختارهای آناتومیک یا پاتولوژیک بیشتر با اپونیم‌ها نام‌گذاری شده‌اند که داستان‌ها و ماجراهای موجود درباره‌ی مشهورترین اپونیم‌های پزشکی را در تحقیق ارزنده‌ی دیوید کودلوویتز^۱ می‌توان دید (۱). کتاب دیگری از کوهرل^۲ و همکاران او منتشر شده است که در آن ۵۵ نمونه از رایج‌ترین همنام‌های مربوط به معاینه‌ی عصبی، آناتومی عصبی و بیماری‌های عصبی را گردآوری کرده است. (۲) نام بیماری‌ها اغلب از نام پزشکان و گاه پرستارانی گرفته شده است که برای اولین بار به شرح و گزارش یک بیماری پرداخته یا ابزارها، آزمایش‌ها و روش‌هایی را برای درمان و تشخیص آن اختراع کرده‌اند؛ به عنوان مثال آلویس آلزایمر^۳ (۱۸۶۴-۱۹۱۵) آسیب‌شناس و روان‌پزشک بود که پلاک‌های آمیلوئیدی و کلاف‌های رشته‌ای داخل نورونی را که باعث نوعی اختلال عملکرد مغزی می‌شود و به‌تدریج توانایی‌های ذهنی بیمار را تحلیل می‌برد، شناسایی کرد. وی یافته‌های خود را در سال ۱۹۰۶ ارائه داد. بعد از او این اختلال به نام وی شناخته شد (۳). پزشک فرانسوی، آرماند تروسو^۴ (۱۸۰۱-۱۸۶۷)، نیز پزشک پرکار عصر خود بود. نام وی با چندین اپونیم از جمله نشانه‌ی تروسو^۵ (اسپاسم کارپوپدال در هیپوکلسمی) و سندرم تروسو^۶ (انعقاد زیاد از حد خون) همراه است (۴) رودولف ویرچو^۷ (۱۸۲۱-۱۹۰۲) کسی که برای اولین بار

⁸ syndrome Virchow

⁹ Virchow Knot

¹⁰ Virchow triad

¹¹ John Hughlings Jackson

¹² jacksonian epilepsy

¹³ Julia Dempsey

¹⁴ Mary Joseph

¹⁵ the Sister Mary Joseph, s nodule

¹⁶ William James Mayo

¹⁷ Lou Gehrig

¹⁸ ALS: Amyotrophic lateral sclerosis

¹⁹ Christmas

²⁰ Stephen Christmas

¹ David Kudlowitz

² Koehler

³ Alois Alzheimer

⁴ Armand Trousseau

⁵ Trousseau sign

⁶ trousseau syndrome

⁷ Rudolf Virchow

خاری است و در *اعمالق دوره* زیر دریا می‌روید؛ خار آن مانند نیزه‌ی خارپشت است و در *دریای آب شیرین دور* می‌روید. اگر این گیاه را به دست آوری و از آن بخوری جوانی و جاویدانی خواهی یافت» (۸).

گیلگمیش عاقبت این گیاه را می‌یابد، چنان که خطاب به اورشنبی کشتی‌بان گوید: «اورشنبی، گیاه این‌جا نزد من است. این گیاهی است که زندگی می‌بخشد. حسرت سوزان آدمی اینک برآورده می‌شود. قدرت کامل جوانی را نگه می‌دارد. می‌خواهم آن را به اوروک، دیوار کشیده‌ی خود ببرم. می‌خواهم همه‌ی پهلوانان را از آن بخورانم به بسیاری می‌خواهم آن را بخش کنم نام گیاه این است: «پیر دوباره جوان می‌شود». من از آن می‌خورم تا قدرت جوانی را از سر بگیرم (۷).

اما او نیز در برابر دیدگان دیگر آدمیان و خدایان و خورشید جان می‌سپارد. گرچه او بر بستر سرنوشت می‌آرمد و هرگز باز نمی‌گردد، اما زندگی همچنان در جریان است و انسان در اندیشه‌ی رهایی از درد و بیماری، گاه به سحر و جادو متوسل می‌شود و گاه در پای خدایانی که به‌دست خود ساخته، قربانی می‌شود و زمانی نیز به طبیعت پناه می‌برد تا بتواند راهی در این میانه بیابد.

شاید سرآغاز چنین تلاشی که بعدها بنیان دانش پزشکی بر آن نهاده شد، هم‌سنگ با آفرینش نخستین انسان باشد. این موضوع سبب شده است تا بتوان رد پای دانش پزشکی را در افسانه‌ها و اساطیر^۴ ملل کهن جهان یافت. وجود شخصیت‌های اساطیری در آثار باستانی ایران نیز نمود همین امر است. از این شخصیت‌ها می‌توان به ثریته، فریدون و جمشید اشاره کرد.

نام ثریته تنها در یک جا در کتاب‌های اوستایی آمده است و آن یسن نهم است. در بند دهم آن آمده است: «سومین کسی که مرا (هوم) مهیا ساخت ثریت از خاندان سام است که از نیک‌خواه‌ترین‌ها است، در عوض خداوند به او دو پسر داد».

بیماری شناخته شده است. فاکتور نه انعقاد خون (فاکتور IX) پروتئینی که در انعقاد خون نقش دارد، به نام فاکتور کریسمس^۱ خوانده می‌شود (۷).

گاه اپونیم‌های پزشکی مانند تب منقوط کوه‌های راک^۲ یا سندرم شکستگی ورشو^۳ برگرفته از اصطلاحات و مناطق جغرافیایی و گاه برگرفته از اساطیر، شخصیت‌های ادبی و آثار هنری هستند.

بشر از آغاز خلقت با رنج و درد بیماری همراه و آشنا بوده است؛ دردی که گاه جسم و گاه روح وی را می‌آزرده است. از این‌رو همواره در پی برطرف کردن درد یا تسکین آن برآمده است.

آثار این نوع نگرش در میراث‌های برجای‌مانده از انسان‌های نخستین که بر سینه‌کش کوه‌ها حک شده یا بر دیواره‌ی غارها نقاشی شده است، گویای این واقعیت است. یکی از این میراث‌ها حماسه‌ی گیلگمیش است. این حماسه که به خط میخی به یادگار مانده و بیشتر قطعات آن در کاوش‌های کویونجیک، محل نینوای قدیم به دست آمده است، افسانه‌ی میل بشر برای دستیابی به جاودانگی است.

گیلگمش بزرگ‌ترین قهرمان بین‌النهرین بعد از مرگ انکیدو در جستجوی زندگی جاوید و گریز از مرگ، عاقبت مشترک آدمیان، رهسپار سفری پرخطر می‌شود. از کوه‌های ترسناک می‌گذرد، جنگل‌های سرزمین‌های تاریک را پشت سر می‌گذارد، از دریای مرگ عبور می‌کند و حتی به دنیای مردگان در زیرزمین راه می‌یابد تا راز جاودانگی را دریابد. وی عاقبت با کمک اوتنایشیتیم از وجود گیاهی که راز جاودانگی است، آگاه می‌شود:

«گیلگمش تو رفتی، تو مشقات بسیاری کشیدی و رنج فراوان تحمل کردی. تو را چه باید بدهم، تا تو خوشبخت به وطن مراجعت کنی؟ من رازی را بر تو آشکار می‌کنم، از گیاه اعجاز پنهانی‌ای تو را آگاه می‌ساز آن گیاه مانند

¹ Christmas factor

² Rocky Mountain spotted fever

³ Warsawbreakage syndrome

⁴ Myths

تحقیقاتی اندک در این حوزه صورت گرفته است. در این زمینه مقاله‌ای با عنوان «پیوند اپونیم‌های علوم پزشکی با اساطیر» (۱۴) آمده است که پژوهشگران در آن به اپونیم‌های علوم پزشکی در حوزه‌ی آناتومی و بیوشیمی پرداخته‌اند و ولی این مقاله اپونیم‌های بیماری‌ها را دربرنمی‌گیرد.

روش‌ها

این مقاله به روش توصیفی تحلیلی، اپونیم‌های بیماری‌ها را که با اساطیر و آثار ادبی و هنری پیوند یافته‌اند، بررسی می‌کند؛ زیرا افزون‌بر اپونیم‌های اسطوره‌ای که در پزشکی حضوری چشم‌گیر دارند و امروزه روان‌شناسی مدرن را در سیطره‌ی خود قرار داده‌اند، ادبیات و هنرهای تجسمی نیز در پیدایی اپونیم‌ها نقش بزرگی دارند که این مقاله به بررسی پیوند اساطیر و شخصیت‌های ادبی و آثار هنری با بیماری‌های فیزیکی و اختلالات روانی می‌پردازد.

یافته‌ها

کاربرد اپونیم‌ها موافقان و مخالفانی دارد. به نظر مخالفان، اپونیم‌ها گاه نامناسب به نظر می‌رسند و شباهت چندانی به اصل ندارند و گاه دو یا چند اپونیم برگرفته از نام یک فرد هستند که این امر ممکن است باعث سردرگمی شود. اما به نظر موافقان در کنار جنبه‌های منفی، اپونیم‌ها باعث ایجاد علاقه به تاریخ پزشکی می‌شوند و دانش ما را عمق می‌بخشند، زبان خشک و منطقی پزشکی را تلطیف می‌کنند و با استفاده از زبان غیرتکنولوژیکی به مفهوم‌سازی بیماری کمک می‌کنند. مهم‌ترین اپونیم‌های بیماری‌های در پیوند با اساطیر و داستان‌ها و آثار هنری به شرح زیر است:

در این بند، ثریته نخستین کسی است که هوم را فشرده و این کار به‌عنوان مهارت پزشکی او به شمار می‌آید. از آنجاکه هوم منشأ زندگی و سلامتی است، نخستین نثارکننده‌ی آن باید نخستین درمان‌بخش نیز باشد (۹). فریدون پسر آبتین (اثقیان)، ملقب به اژدهاکش، دومین کسی است که هوم را مطابق آیین می‌فشارد و موهبت داشتن پسری چون فریدون به او می‌رسد. فریدون در ادبیات ایران با نوعی جادوگری و پزشکی ارتباط دارد (۱۰). مردم در دعاهای خود از ثریتونه (فریدون) می‌خواهند که آنان را در برابر خارش و شب و ضعف و همچنین در برابر اژی دهاک حمایت و یاری کند (۱۱). جمشید نیز از کهن‌ترین چهره‌های اساطیری هند و ایرانی است. در اساطیر ودایی، جم، سرور جهان مردگانی است که به سعادت ابدی رسیده‌اند. وی فرمانروای بهشت برین است. او با خدایان جهان ودایی، به‌ویژه ورونه و اگنی، به دوستی و خوش‌گذرانی سرگرم است. پدرش ویوس ونت^۱ و مادرش، سارانویو^۲ است. او خواهری به نام یمی^۳ دارد. به باور اقوام هند و ایرانی، این برادر و خواهر نخستین، پدر و مادر جهانیان هستند (۱۲). گذشته از اساطیر، بخشی دیگر از اپونیم‌ها در سیمای قهرمانان و شخصیت‌های ادبی و آثار هنری نمود می‌یابند تا میل بشر را برای رهایی از بیماری و ناخوشی و پیوستن به جاودانگی به تصویر بکشند.

۱- پیشینه‌ی تحقیق

احتمالاً جذاب‌ترین اپونیم‌های پزشکی، اپونیم‌هایی هستند که از اساطیر گرفته شده‌اند؛ چنان‌که نماد دارو و درمان نیز از عصای اسکلیپوس ایزدگونه‌ی دارو و درمان گرفته شده است (۱۳).

در دیگر کشورها به‌صورت پراکنده به اپونیم‌های علوم پزشکی و بیماری‌ها پرداخته شده است ولی در ایران

¹ Vivasvant

² Saranyū

³ Yami

گرفته شده است. در این رمان شیوه‌ای که آلیس جهان را می‌دید، با توهم و درک نادرست از اندازه‌ی اشیاء همراه بود. هرچند این داستان، یک افسانه است؛ با این حال تجربه‌ی آلیس، برای برخی افراد واقعاً اتفاق می‌افتد که گاهی جهان را آن‌طور که هست، درک نمی‌کنند؛ رنگ‌ها در دید آن‌ها تغییر می‌کنند، خطوط صاف، موج‌دار می‌شوند، اشیاء حرکت می‌کنند و اندازه‌ها به‌درستی درک نمی‌شوند. جان تاد^{۱۱}، روان‌پزشک انگلیسی، در سال ۱۹۵۵ نشانه‌ها و علائم این سندرم را کشف کرد (۱۷) (شکل ۱).



شکل ۱. تصاویری از کتاب *آلیس در سرزمین عجایب*، اندازه او را در رابطه با حیوانات نشان می‌دهد (۱۸).

۱- بیماری آگوچیک^۱

بیماری «آگوچیک» به بیماری انسفالوپاتی^۲ اطلاق می‌شود. انسفالوپاتی کبدی یک اختلال مغزی پیچیده است که از نارسایی کبدی ناشی می‌شود. این نام از نمایشنامه‌ی کمدی «شب دوازدهم»^۳ یا «هر چه تو خواهی»^۴ اثر ویلیام شکسپیر^۵ که در حدود سال‌های ۱۶۰۱-۱۶۰۲ نوشته شده و نخستین بار در دوم فوریه ۱۶۰۲ به‌روی صحنه رفته، گرفته شده است. شخصیت مدتظر، سر اندرو آگوچیک، شخصیتی است پرگو که هر آنچه را که در ذهنش می‌گذرد، بیان می‌کند. او عاشق گوشت گاو و شراب است و به‌خاطر افراط در مصرف پروتئین زیاد، دچار زوال عقلی شده است، بیماری انسفالوپاتی پورتوسیستمیک مزمن را وی‌اچ‌جی سامرسکیل^۶ با توجه به زوال عقلی آگوچیک^۷ به این نام، نام‌گذاری کرده است (۱۵).

۲- سندرم آلیس در سرزمین عجایب^۸

سندرم «آلیس در سرزمین عجایب» بیماری عصبی بالینی نادری است که بیماران مبتلا به آن، توهم تغییر را در درک و دریافت‌شان از محیط گزارش می‌دهند. بیماران ممکن است درکی اشتباه از اندازه و شکل بدن خود یا اشیاء اطراف خود داشته باشند (۱۶). به‌طور معمول، این سندرم در دوران کودکی بروز می‌کند که ممکن است آن را پیش‌زمینه‌ی میگرن قلمداد کرد. این سندرم با تکرار دوره‌های موقت توهم در دیدار و درک مشخص می‌شود. نام این سندرم از شخصیت آلیس، قهرمان رمان «آلیس در سرزمین عجایب» (۱۸۶۵) اثر چارلز لاتویج دادسون^۹ با نام مستعار لوئیس کارول^{۱۰}

¹ Aguecheek's disease

² Encephalopathy

³ Twelfth Night

⁴ What You Will

⁵ William Shakespeare

⁶ W.H.J. Summerskill

⁷ Aguecheek

⁸ Alice in Wonderland syndrome

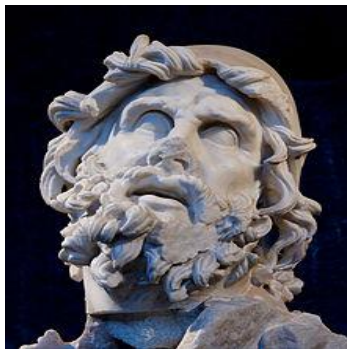
⁹ Charles Lutwidge Dodgson

¹⁰ Louis Karol

¹¹ John Tod

ناشی می‌شود. مبتلایان به این سندرم، اختلالات سوماتوفورم^۸ دارند. سوماتوفورم نوعی اختلال است که بیمار با علائم جسمی به پزشک مراجعه می‌کند، ولی در معاینه یا آزمایش‌ها مشکل جسمی مشاهده نمی‌شود (۲۰).

نام این سندرم برگرفته از نام اودیسیوس به تلفظ لاتین اولیس^۹، قهرمان اثر شاعر نابینای یونانی هومر است (شکل ۳). اولیس به هوش و خرد معروف بود (۲۱)؛ او مَثَل انسان آواره‌ای است که تقدیر او را از وطن خود دور می‌کند.



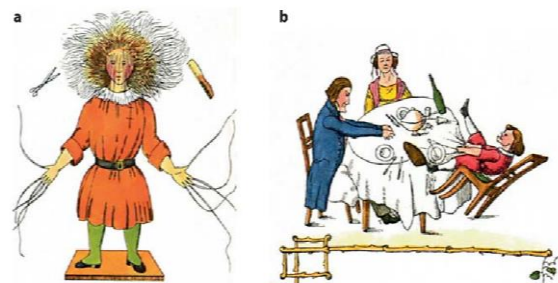
شکل ۳. مجسمه سراولیس در اسپرلونگای ایتالیا^{۱۰} پیدا شده است. (۲۲)

۵- سندرم اوندین^{۱۱}
سندرم «نفرین اوندین»^{۱۲}، به سندرم مادرزادی هیپوونتیلیسیون مرکزی^{۱۳} اطلاق می‌شود که در اصل برای توصیف یک بیماری بسیار نادر، یعنی اختلال نظم سیستم خودکار تنفسی به کار می‌رود (۲۳). افراد مبتلا به این سندرم به هنگام خواب در تنفس دچار مشکل می‌شوند.

«نفرین اوندین» برگرفته از افسانه‌ای افسون‌کننده است. اوندین یک پری دریایی است که پس از ابراز عشقش به یک انسان و ازدواج با او و بچه‌دار شدن، به انسان تبدیل

۳- سندرم استراو پیتر^۱

سندرم «استراو پیتر» سندرم کم‌توجهی و بیش‌فعالی کودکان است. این اسم از شخصیت اصلی کتاب *استراو پیتر*^۲ که هاینریش هافمن^۳ آلمانی، نویسنده و متخصص متخصص اطفال کودکان در قرن نوزدهم آن را نوشته، گرفته شده است. در این کتاب، شخصیت پسری به نام استراو پیتر و دوستانش نمایانگر تمامی ویژگی‌های اصلی سندرم کودکان مبتلا به اختلال کم‌توجهی- بیش‌فعالی^۴ است. این کتاب شامل ده داستان مجزا است که ناهنجاری‌های رفتاری کودکان را نشان می‌دهد (شکل ۲). ویژگی‌های رفتاری اخلاقی استراو پیتر با اختلال بیش‌فعالی و کمبود توجه^۵ سازگار است. اگرچه بعضی پیشنهاد داده‌اند که نام فیلیپ بی‌قرار^۶، نام دیگر شخصیت این کتاب برای سندرم بیش‌فعالی به کار گرفته شود، ولی با توجه به سابقه‌ی کاربرد، نام پیتر استراو برای این سندرم شناخته‌شده‌تر است (۱۹).



شکل ۲. استراو پیتر و فیلیپ بیقرار (۱۹)

۴- سندرم اولیس^۷

سندرم مزمن و چندگانه‌ی استرس که بیشتر به‌عنوان سندرم «اولیس» شناخته می‌شود، مجموعه‌ای از علائم است که از عوامل فشارزای جدی مرتبط با مهاجرت

⁸ Somatization disorder

⁹ Ulysses

¹⁰ Sperlonga Italy

¹¹ Ondine's curse syndrome

¹² Ondine's curse syndrome

¹³ Central hypoventilation syndrome

¹ Straw Peter Syndrome

² Straw peter

³ Heinrich Hoffmann

⁴ Attention-deficit hyperactivity disorder

⁵ ADHD

⁶ Fidgety Philip

⁷ Ulysses syndrome

نام خدای اسطوره یونانی نام‌گذاری شده است. پان (به یونانی: Πάν) خدای طبیعت و چوپانان و گله‌ها بود. در موقع تولد او، مادرش از چهره‌ی عجیب او به وحشت افتاد، ولی هرمس او را در پوست خرگوشی پیچیده و به المپ برد و وی را نزدیک زئوس گذاشت و به همه‌ی خدایان نشان داد (۲۱).

۷- سندرم پروتئوس^۹

سندرم «پروتئوس» نوعی اختلال ژنتیکی نادر است که در آن، رشد غیرطبیعی و شدید برخی رده‌های سلولی رویان وجود دارد (۲۶). بیماران مبتلا به این سندرم، در معرض برخی سرطان‌ها با منشأ سلول‌های جنینی هستند و احتمالاً به‌همین دلیل، این عارضه، نامش را از پروتئوس به یونانی (Πρωτεύς)، ایزد اساطیری دریا در یونان باستان می‌گیرد که می‌توانست مدام شکل خود را تغییر دهد (شکل ۴). پروتئوس می‌توانست خود را به هر شکلی که می‌خواست دریاورد. وی وقتی که می‌خواست از دست سؤال‌کنندگان خلاص شود، نه‌تنها به‌صورت حیوانات، بلکه به شکل عناصر طبیعی مانند آب و آتش نیز درمی‌آمد (۲۱).



شکل ۴. پروتئوس (۲۷)

می‌شود. در یکی از روایت‌های داستان، اوندین وقتی متوجه خیانت همسرش می‌شود، او را نفرین می‌کند که برای کنترل تنفس خود مجبور به بیدار ماندن باشد. از این‌رو هر بار که همسرش می‌خواهد، توانایی تنفس را از او سلب می‌کند و او را به کام مرگ می‌فرستد. پاراسلسوس^۱ پاراسلسوس^۱ اولین بار، نام اوندین را در نوشته‌های خود پس از یافتن داستان در شعر آلمانی شوالیه استاوفنبرگ^۲ استاوفنبرگ^۲ در سال ۱۴۸۰ ثبت کرد. با این حال، نویسنده‌ی اصلی مرتبط با افسانه‌ی محبوب اوندین، فریدریش دلانت فوکه آلمانی^۳ (۱۷۷۷-۱۸۴۳) است که در سال ۱۸۱۱ رمان اوندین را نوشت. بعدها بر مبنای آن ژان ژیرودو^۴ رمان نویس، مقاله‌نویس، نمایشنامه‌نویس و دیپلمات قرن نوزدهم میلادی اهل فرانسه در سال ۱۹۳۹ نمایش‌نامه‌ی اوندین را به فرانسوی برگرداند که اوندین، پری دریایی، شوهر خیانت‌کار خود، شوالیه هانس را با سلب توانایی تنفس غیرارادی مجازات کرد. سیورینگهاوس^۵ و میتچل^۶ در سال ۱۹۶۲ با هوشمندی اصطلاح «نفرین اوندین» را برای توصیف اختلال در تنفس غیرارادی که به‌ویژه در هنگام خواب بسیار اهمیت دارد، ابداع کردند (۲۴).

۶- سندرم پان^۷

حمله‌ی «پانیک» منسوب به پان^۸، دوره‌ای از ترس یا ناراحتی شدید است که آغاز و انجام معینی ندارد و دست‌کم چهار علامت فیزیکی یا شناختی مانند تپش قلب، تکیکاردی، تنگی نفس و احساس خفگی با آن همراه است. در مطالعات اپیدمیولوژیک، شیوع مادام‌العمر اختلال پانیک ۰/۵ تا ۱/۵ درصد و حمله‌ی پانیک ۳ تا ۵/۶ درصد گزارش شده است (۲۵). اصطلاح «پان»، به

¹ Paracelsus

² Der Ritter von Staufenberg

³ Friedrich de la Motte Fouqué

⁴ Jean Giraudoux

⁵ Severinghaus

⁶ Mitchell

⁷ Panic attack

⁸ Pan

⁹ Proteus syndrome

معنی است که ریه‌ها قادر به دم میزان کافی اکسیژن و بازدم مقدار لازم دی‌اکسیدکربن در فرایند موسوم به تبادل گاز نیستند. این وضعیت به کمبود اکسیژن و افزایش میزان دی‌اکسیدکربن در جریان خون می‌انجامد. این سندرم نام خود را از یکی از شخصیت‌های رمان یادداشت‌های پیکویک که در سال ۱۸۳۶ چارلز دیکنز^۷ آن را نوشته است، گرفته است (شکل ۶). سندرم پیکویکین برای نخستین بار در سال‌های دهه‌ی ۱۹۵۰ به‌عنوان یک بیماری توصیف شد. ویلیام کولین^۸ این عنوان را برای افراد چاق و خواب‌آلود ابداع کرد (۳۲).



شکل ۵. مرد خمیازه‌ای (۳۰)

۱۱- سندرم رابین هود^۹
سندرم «رابین هود» سندرم سرقت خون از مغز است، سرقت خون از مغز به معنی محرومیت از خون (اکسیژن) در برخی از مناطق مغز به دلیل انسداد، انقباض عروق یا گشادشدن عروق خارج مغزی و همچنین داخل مغزی است (۳۴). به این سندرم «دزدی شریان سابکلوین خون‌دزدی زیرترقوه‌ای»^{۱۰} نیز گفته می‌شود. شریان سابکلوین^{۱۱} از شاخه‌های اصلی شریان آئورت در بدن

۸- سندرم پری دریایی^۱

سندرم «پری دریایی» یا سیرنوملیا^۲ یک ناهنجاری نادر مادرزادی است که در آن پاهای کودک در بدو تولد به‌صورت جزئی یا کامل به‌هم چسبیده‌اند و بروز آن ۱/۵ تا ۴/۲ در صدهزار تولد است (۲۷). این سندرم بیشتر در اوایل زندگی کشنده است. سندرم پری دریایی از آن دسته اختلالاتی است که در طی مرحله‌ی گاسترولاسیون (شروع هفته‌ی سوم جنینی) اتفاق می‌افتد (۲۸). نام این سندرم از پری دریایی موجود در افسانه‌های بسیاری از فرهنگ‌های جهان، از تمدن آشوریان تا بابل و یونان باستان گرفته شده است. پری دریایی در فرهنگ عامه، موجودی افسانه‌ای و آبی است که سر و تنه‌ای به شکل یک زن زیبا و دمی شبیه به ماهی دارد.

۹- سندرم پیتر بروگل^۳

سندرم «پیتر بروگل» دیستونی جمجمه (بلفارواسپاسم، اسپاسم نیمه‌صورت، دیستونی دهانه-فکی) است. این نام از چند تابلوی نقاش فلانندیایی، بروگل پدر^۴ [اکثر اعضای خانواده بروگل نقاشان شهیری بودند] گرفته شده است که حالات مختلف دیستونیک صورت را به تصویر می‌کشد (۲۹) (شکل ۵).

۱۰- سندرم پیک ویکین^۵

سندرم «پیکویکین» یا هیپوونتیلیاسیون^۶ یکی از عوارض ناشی از چاقی شدید است که در آن تعداد یا عمق تنفس بیمار ناکافی است و تنفس کند بوده یا به‌صورت سطحی صورت می‌گیرد. در مبتلایان به این سندرم، سطح دی‌اکسیدکربن خون بالاتر از حد طبیعی و سطح اکسیژن خون پایین‌تر از میزان طبیعی مشاهده می‌شود (۳۱) تنفس کند یا تنفس‌های بسیار کم‌عمق به این

¹ Mermaid Syndrome

² Sirenomelia

³ Pieter Brueghe syndrom

⁴ Breughel the Elder

⁵ Pickwickian Syndrome

⁶ Hypoventilation

⁷ Charles Dickens

⁸ William Cullen

⁹ Robin Hood Syndrome

¹⁰ Subclavian steal syndrome

¹¹ Subclavian artery

۱۲- سندرم زالی^۲

سندرم «زالی» یا آلبنیسم، بیماری ژنتیکی با توارث اتوزوم مغلوب است که تظاهراتش به چگونگی و میزان اختلال عملکرد رنگدانه‌ی ملانین در سلول‌های رنگیزه‌های نقاط مختلف بدن بستگی دارد (۳۵). زال در پارسی به معنای سپیدمو است. نام این سندرم برگرفته از داستان زال در شاهنامه‌ی فردوسی است:

ز مادر جدا شد بران چند روز

نگاری چو خورشید گیتی فروز

به چهره چنان بود تابنده شید

ولیکن همه موی بودش سپید

پسر چون ز مادر بران گونه زاد

نکردند یک هفته بر سام یاد (۳۶)

زال پسر سام و پدر رستم است. سام از اینکه پسرش با موی سپید (آلبنیسم) به دنیا آمده، ناخرسند است؛ از این‌روی او را در پای کوه البرز رها می‌کند. سیمرغ که بر بالای کوه آشیان داشت، او را یافته و پرورش می‌دهد و بعد از آن تا پایان زندگی از او حمایت می‌کند و یاور زال و خاندان او می‌شود.

۱۳- سندرم ژیگانتیسم^۳

سندرم «ژیگانتیسم» (گیگانتیسم) یا غول‌پیکرگی، بیماری است که با رشد بیش از حد ناشی از تولید بیش از حد هورمون رشد در دوران کودکی مشخص می‌شود. ژیگانتیسم رشد غیرعادی زیادی است که این امر به دلیل وجود ترشح زیاد هورمون رشد^۴ در دوران کودکی و قبل از بسته شدن صفحات رشد استخوان اتفاق می‌افتد (۳۷). نام این سندرم با ژیزس^۵ اسطوره‌ی یونانی پیوند می‌یابد

است که در سمت چپ قرار دارد و مستقیماً از آئورت منشا می‌گیرد و در سمت راست از تنه‌ی شریانی براکیوسفالیک جدا می‌شود. با انجام فعالیت در دست، نیاز خون‌رسانی دست زیاد می‌شود ولی شریان سابکلوین به دلیل تنگی، توانایی جبران این نیاز را ندارد؛ بنابراین این کمبود جریان خون توسط برگشت جریان خون در شریان ورتبرال به منظور تأمین خون‌رسانی دست صورت می‌گیرد (دزدیدن خون ساقه‌ی مغز توسط دست)؛ بنابراین با برعکس شدن جریان خون در شریان ورتبرال، خون‌رسانی به ساقه‌ی مغز و مخچه به‌خوبی صورت نمی‌گیرد و فرد دچار علائم ایسکمی مغزی می‌شود (نارسایی ورتبروبازیلار). نام این سندرم برگرفته از نام قهرمان افسانه‌ای رایین هود از جنگل شروود در ناتینگهام است که آنچه را از ثروتمندان سرقت می‌کرده، به فقیران می‌داده است. رایین هود شخصیتی داستانی و کهن‌الگویی در فرهنگ فولکلور انگلیس است. ریشه‌ی داستان رایین هود به سده‌های میانه بازمی‌گردد.



شکل ۶. تصویر متعلق به جو^۱ پسر چاق داستان یادداشت‌های پیک ویک اثر چارلز دیکنز است. این عکس در چاپ کتاب منتشرشده در سال ۱۸۶۷ میلادی استفاده شده است (۳۳).

^۲ Syndrome Albinismus

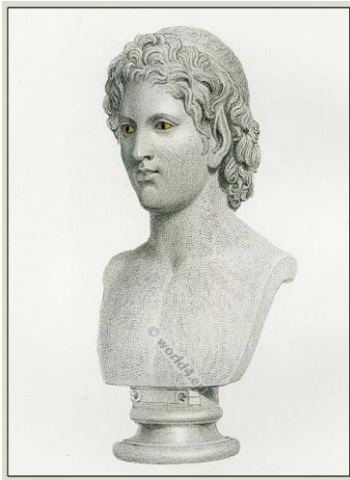
^۳ Giant Syndrome

^۴ GH

^۵ Gyges

^۱ Joe

ارواح جنگلی با بالاتنه‌ی انسانی و پایین‌تنه‌ی بز هستند و اغلب بر روی سر خود شاخ دارند (۲۱).



شکل ۸. نیم‌تنه‌ای از یک ساتیر (۴۰)

(شکل ۷). ژیزس^۱ یکی از هکاتورن‌سین‌ها یعنی غول‌های صد دست است که از ازدواج زمین و آسمان متولد شده است. وی برادر کوتوس و بریاره است و همانند کوتوس در جنگ با خدایان المپی شرکت کرد. ژئوس او را زندانی کرد و بریاره را به مراقبت او گذاشت (۲۱).



شکل ۷. تصویری از ژیزس یونانی (۳۸)

۱۵- سیرنگومیلی^۸

بیماری «سیرنگومیلی» یا نخاع‌گشادگی، برگرفته از سیرینکس^۹ (به یونانی: Σύριγγξ) از ضایعه‌های مزمن و پیش‌رونده‌ی نخاع و گاهی اوقات بصل‌النخاع است. در این بیماری کیست‌های متعددی در درون بافت نخاع ایجاد می‌شود. درد و ضعف عضلانی و خشکی کمر از علائم بیماری است. سیرنگومیلی اولین بار در سال ۱۸۳۷ به‌صورت حفره‌ای حاوی مایع در نخاع توصیف شد. سیرینکس بیشتر در ناحیه‌ی سرویکال و توراسیک دیده می‌شود و از نظر علت ایجاد بیماری می‌تواند ایدیوپاتیک یا اکتسابی باشد. تقریباً تمامی بیماران با سیرنگومیلی ایدیوپاتیک مالفوماسیون ارنولد کاری دارند. علت سیرنگومیلی اکتسابی تروما یا نئوپلاسم‌های نخاع است» (۴۱). اصطلاح سرنگ را اولیورد آنجر^{۱۰} در سال ۱۸۳۷ به کار برد (۴۲). در اساطیر یونانی، سیرینکس نام الهه‌ای است که موجود اساطیری به نام «پان» او را تعقیب کرد. او در تلاش برای فرار از دست «پان»، کمک خواست و به نی تبدیل شد. از آنجاکه پان قادر به تشخیص او از نی‌های

۱۴- گوش‌های ساتیر^۲

گوش‌های «ساتیر» یک ناهنجاری نادر مادرزادی لاله‌ی گوش است که در ابتدا استال در قرن نوزدهم آن را توصیف کرد و با نام گوش استال^۳ شناخته شد. این اختلال امروزه گاه با عنوان گوش اسپاک^۴ یا گوش ولکان^۵ نیز شناخته می‌شود. آقای اسپاک، از شخصیت‌های مجموعه داستان‌های علمی‌تخیلی محبوب *پیش‌تازان فضا*^۶ است. اهالی سیاره‌ی ولکان از نظر ظاهر شبیه به انسان‌ها هستند، اما گویا قلبشان در سمت راست بدنشان قرار دارد و خونشان سبز رنگ است و گوش‌هایی کشیده دارند. نام دیگر این سندرم با عنوان «گوش‌های ساتیر»^۷ آمده است (۳۹).

ساتیر از موجودات اسطوره‌ای یونان است (شکل ۸). ساتیرها (به یونانی: Σάτυροι) در اسطوره‌های یونان،

¹ Gyges

² satyr ears

³ Stahl's ear

⁴ Spock ear

⁵ Vulcan ear

⁶ Star Trek

⁷ satyr ears

⁸ Syringomyelia

⁹ Syrinx

¹⁰ Ollivier d'Angers

اختلال فوبی (ترس) با فوبوس^۵ به یونانی (Φόβος) فرزند آرسو^۶ و آفرودیت^۷ که تجسم ترس است، پیوند می‌یابد (۲۱) (شکل ۱۰).



شکل ۹. سر یک سیکلوپیا یا غول یک چشم (۴۵)

دیگر نبود، یک دسته از آن‌ها را قطع کرد و یک لوله پانپی، یک ساز موسیقی ساخت (۲۰). سیرینکس به اعتبار نواخته‌شدن توسط پان یا همان فانوس، گاهی فلوت پان (فلوت پانوس) نیز خوانده شده است (۴۳).

۱۶- سندرم سیکلوپیا^۱

سندرم «سیکلوپیا» یا سایکلوپس^۲ یا سیکلوسفالی^۳ ناهنجاری نادر مادرزادی است که در دوره‌ی جنینی به دلیل رشدنیافتن مغز قدامی (پروزنسفال) و در نتیجه اتصال شیارهای بینایی به یکدیگر به وجود می‌آید. در این ناهنجاری دو حدقه به یکدیگر رسیده و حدقه‌ای مشترک را در میانه و جلوی سر به وجود می‌آورند. همچنین حفره‌ی بینی تشکیل نشده و ناحیه‌ی پروزنسفال رشد نمی‌کند. بیشتر این جنین‌ها به‌طور طبیعی سقط می‌شوند (۴۴). سیکلوپیا (به یونانی: Κύκλωπες)، در افسانه‌های یونانی غول‌هایی با یک چشم واحد در مرکز پیشانی بودند. «به‌طوری‌که در اسیه نقل شده سیکلوپ‌ها موجودات وحشی و غول‌پیکر و نیرومندی بودند که فقط یک چشم داشتند و در نواحی ساحل ایتالیا زندگی می‌کردند. کار و تنها درآمد آن‌ها پرورش گوسفند بود (شکل ۹). سیکلوپ‌ها از پاره‌ای جهات به ساتیرها شباهت داشتند و از این لحاظ با آن‌ها یکی پنداشته شده‌اند» (۲۱).

۱۷- اختلال فوبیا^۴

اختلال «فوبی» از جمله‌ی اختلالات اضطرابی شایع است. «در اختلال فوبی خاص، ترس یا اضطراب، شدید و محسوس است و افراد مبتلا به این اختلال تلاش زیادی می‌کنند که از شیء یا موقعیتی که هدف ترس آن‌هاست، اجتناب کنند. آن‌ها اگر نتوانند اجتناب کنند، آن موقعیت را با اضطراب و ناراحتی زیادی تحمل می‌کنند» (۴۶).

۱۸- سندرم لازاروس^۸

سندرم «لازاروس»، سندرمی است که پس از احیای قلبی‌ریوی (CPR) ناموفق رخ می‌دهد و در آن گردش خون به‌طور خودبه‌خودی برقرار می‌شود. احتمال وقوع این سندرم بسیار پایین است و علت آن به‌خوبی مشخص نشده است. از سال ۱۹۸۲ که لینکو^۹ و همکارانش برای اولین بار این سندرم را گزارش دادند (۴۸)، تا سال ۲۰۰۷، حدود ۳۸ نمونه از آن ثبت شده است (۴۹). نام این سندرم از العازر (ایلعازر) گرفته شده است که طبق عهد جدید عیسی وی را بعد از مرگ احیاء کرد. عازر یا العازر برادر حضرت مریم بود که عیسی بر سر گور او رفت و چهار روز پس از مرگش وی را با دم مسیحایی زنده کرد (۵۰).

⁵ Phobos

⁶ Arso

⁷ Aphrodite

⁸ Lazarus syndrome

⁹ Linko

¹ Cyclopia syndrome

² Cyclops

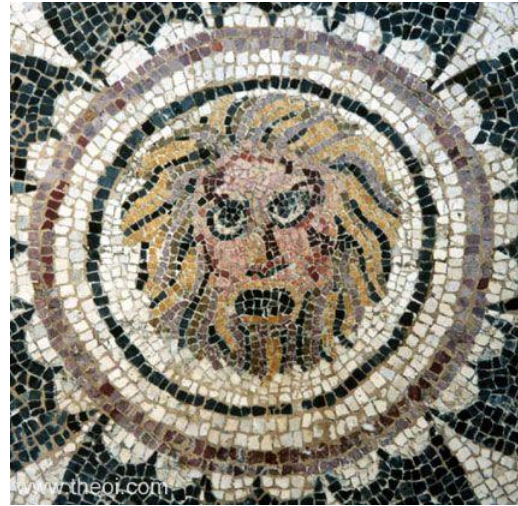
³ Cyclocephaly

⁴ Phobia Symptom

اختلال که به‌عنوان سندرم مونشهاوزن با وکالت^۸ شناخته می‌شود، نوعی کودک‌آزاری^۹ است که در آن والدین یا پرستار گزارش نادرستی از علائم بیماری در کودک را ارائه می‌دهند. این سندرم با اسامی متعدد دیگری نیز مشخص شده است، از جمله این اختلال‌ها می‌توان به اعتیاد به بیمارستان^{۱۰}، اعتیاد به جراحی‌های متعدد^{۱۱} و عارضه‌ی بیمار حرفه‌ای^{۱۲} اشاره کرد (۵۲). این اختلال نام خود را از داستان‌های پرحادثه و سفرهای ماجراجویانه‌ی بارون فون مونشهاوزن^{۱۳} آلمانی، معروف به بارون دروغگو در قرن هجدهم گرفته است (شکل ۱۱). داستان به قلم نویسنده‌ی آلمانی رودولف اریش راسپه^{۱۴} در سال ۱۷۸۵ نوشته شده و سپس گوتفرد آوگوست بورگر^{۱۵} نویسنده و شاعر اهل آلمان در سال ۱۷۸۶ آن را بازنویسی کرده است. کتاب روایت‌گر داستان‌های عجیب و غریب و باورناپذیری است که برای اشراف‌زاده‌ی آلمانی به نام «بارون فون مونشهاوزن» اتفاق افتاده است (۵۳).



شکل ۱۱. بارون مونشهاوزن (۵۳)



شکل ۱۰. تصویر فوبوس خدای ترس در موزه‌ی بریتانیا موزائیکی مربوط به هالیکارناس^۱ (۴۷)

۱۹- سندرم مونالیزا^۲

فلج بل^۳ یا بلز^۴ از اسم چارلز بل^۵ گرفته شده که در سال ۱۸۲۱ نقش عصب هفتم کرانیال را در عصب‌دهی عضلات صورت کشف کرد. فلج بل شایع‌ترین نوع فلج صورتی ایدیوپاتیک است؛ به‌طوری‌که میزان بروز سالانه‌ی این اختلال حدود ۲۳ نمونه در هر صد هزار نفر است (۵۱). این بیماری به نام سندرم «مونالیزا»^۶ نقاشی معروف اثر لئوناردو داوینچی (لبخند ژوکوند) خوانده می‌شود.

۲۰- سندرم مونشهاوزن^۷

سندرم «مونشهاوزن» به نوعی اختلال اطلاق می‌شود که در آن بیمار، شرحی دقیق و باورکردنی و اغلب دراماتیک از یک بیماری حاد همراه با تظاهر به علائم و نشانه‌های بالینی را ارائه می‌دهد تا توجه یا همدردی دیگران از جمله کادر درمان را به خود جلب کند. نوعی از این

⁸ by proxy

⁹ child abuse

¹⁰ Hospital addiction

¹¹ Polysurgical addiction

¹² Professional patient syndrome

¹³ Baron Von Münchhausen

¹⁴ Rudolf Erich Raspe

¹⁵ Gottfried August Bürger

¹ Halicarnassus

² Mona Lisa syndrome

³ Bell

⁴ Bells Palsy

⁵ Bell Charles

⁶ Mona Lisa syndrome

⁷ Münchhausen syndrome

می‌رقصیدند و حتی برخی در پایان، دنده‌هایشان می‌شکست و می‌مردند. در قرن شانزدهم، پاراسلسوس، رقص سنت ویتوس را به‌عنوان رقص پاتولوژیک^۴ نام‌گذاری کرد. وی تشخیص داد که ازدست‌دادن ثبات عاطفی و کنترل حرکتی ارادی در روند بیماری نقش اساسی دارد. یک قرن بعد سیدنهام، در سال ۱۶۸۶، اختلالات رقص را توضیح داد: رقص سنت ویتوس نوعی تشنج است که به پسران و دختران از سال دهم تا زمانی که رشد می‌کنند حمله می‌کند. ابتدا با توقف یا بهتر است بگوییم حرکت ناپایدار یکی از پاها که بیمار آن را می‌کشد، خود را نشان می‌دهد. سپس در دست همان طرف دیده می‌شود. بیمار نمی‌تواند آن را لحظه‌ای در جای خود نگه دارد، خواه آن را روی سینه یا هر جای دیگری از بدن خود بگذارد. هر کاری که او می‌تواند انجام دهد، در جای دیگری به شکل تشنجی تکان می‌خورد (۵۴).



شکل ۱۲. رقص ویتوس (۵۵)

۲۲- سندرم هامپتی دامپتی^۵
سندرم «هامپتی دامپتی» نوعی روان‌رنجوری است که در آن بهبودی جسمی از آسیب‌دیدگی حاصل شده، اما زخم

۲۱- سندرم رقص ویتوس^۱
تب روماتیسمی حاد: (ARF)^۲ یک بیماری التهابی سیستمیک است که به‌علت عفونت حلق با استرپتوکوک β همولیتیک گروه A رخ می‌دهد. این بیماری ویژه‌ی بچه‌ها و جوانان است؛ اما در افراد بالغ نیز رخ می‌دهد. تب روماتیسمی حاد، بیماری چندسیستمی است که قلب، مفاصل، سیستم عصبی مرکزی، پوست، کلیه‌ها و ریه‌ها را درگیر می‌کند. برای درمان بیماری یک عامل تشخیصی واحد وجود ندارد و تشخیص تب روماتیسمی حاد نیازمند نتایج بالینی و آزمایشگاهی گوناگونی است. این بیماری قبلاً با نام رقص ویتوس شناخته می‌شد. ویتوس مقدس^۳ یکی از قدیسان مسیحی اهل سیسیل بود. ویتوس را قدیس پشتیبان هنرپیشگان، کم‌دین‌ها، رقصندگان و بیماران صرع می‌دانند. تصور می‌شد که قدرت شفابخش بقاع قدیس به‌ویژه برای بیماران دارای «گام ناپایدار، اندام لرزان، لنگیدن زانو، خم‌شدن انگشتان و دست‌ها، فلج‌شدن دست‌ها، کجی اعضای بدن» مؤثر است. در این گروه، حرکات یک رقص را تقلید می‌کردند. رقص سنت ویتوس به یک اصطلاح کلی برای مجموعه‌ای از شرایط با اختلال حرکتی تبدیل شد. این امر در طول قرون وسطی زمانی که جنون رقص و سایر رفتارهای هذیانی اروپا را درنوردید، تقویت شد. پیتر بروگل در تابلوی جنون رقص زائران آن را به تصویر کشیده است (شکل ۱۲). اینکه آیا آن‌ها هیستری جمعی، عفونت همه‌گیر یا مسمومیت غذایی داشتند، هنوز ثابت نشده است. در هر صورت جنون رقص پدیده‌ای اجتماعی بود که ابتدا در قاره‌ی اروپا میان سده‌های چهارده تا هفده رخ داد که در آن گروهی از مردم و گاهی هزاران نفر هم‌زمان به‌طور نامنظم سرگرم رقصیدن می‌شدند. این شیدایی بر مردان، زنان و کودکان تأثیر می‌گذاشت و آنان شب و روز و تا زمانی که از فرط خستگی نمی‌افتادند،

¹ Vitus dance

² Acute Rheumatic Fever

³ Saint Vitus

⁴ chorea naturalis

⁵ Humpty Dumpty syndrome

هرکول به صرع را انکار می‌کند و معتقد است که نام قهرمان برای نشان دادن عظمت بیماری بوده است (شکل ۱۴). در ایران در میان عوام، صرع بیشتر با اصطلاح «پری‌زدگی» مطرح می‌شده و در طب قدیم «ام‌صبيان» گفته‌اند (۵۹-۶۰).



شکل ۱۳. هامپتی دامپتی (۵۷)



شکل ۱۴. تصویری از هرکول در نبرد با شیر (۶۱)

آسیب‌های روانی دوران کودکی مداخله کرده و مانع بهبودی ذهنی می‌شود (۵۶). این بیماری از نام هامپتی دامپتی یکی از معروف‌ترین شخصیت‌های داستان آلیس در سرزمین عجایب رمان لوئیس کارول که در سال ۱۸۶۵ منتشر شده، گرفته شده است. این شخصیت اغلب به شکل یک تخم‌مرغ به تصویر کشیده می‌شود (شکل ۱۳). هامپتی دامپتی در آغاز با این شعر معرفی می‌شود:

Humpty Dumpty sat on a wall,
Humpty Dumpty had a great fall,
All the king's horses and all the king's
men,
Couldn't put Humpty together again

در این شعر هیچ اشاره‌ای به ماهیت هامپتی دامپتی نشده است. احتمالاً دلیل اصلی این تصویرسازی این «چیستان» است: چیزی که اگر از بالای دیوار به زمین بیفتد، هر تعداد نفر هم که جمع شوند، نمی‌توانند آن را به شکل اولیه خود بازگردانند که پاسخش تخم‌مرغ بوده است.

۲۳- سندرم هرکول^۱

سندرم «هرکول»، نام قدیمی صرع است. نام این بیماری برگرفته از هرکول^۲ (هراکلس یونانی)، قهرمان اسطوره‌ای یونان (پسر زئوس و آلمنه) است و از این اعتقاد گرفته شده است که قدرت و خشونت شدید (دیوانگی، ابری بودن ذهن) هرکول در جریان صرع به وجود می‌آید (۵۸). هرا نامادری و دشمن دیرینه‌ی هرکول باعث دیوانه‌شدن وی می‌شود تا آنجاکه هرکول همسر خود مگارا و پسران خود را به قتل می‌رساند. او پس از آن که جنونش فروکش کرد، متوجه عمل خود شده و به شدت احساس پشیمانی می‌کند (۲۱). روایت دیگری، ابتلای

^۱ Hercules syndrom

^۲ Hercules

۲۴- سندرم ینتل^۱

پزشکی بر مبنای اسطوره پدید آمده است. از ۲۴ نمونه اپونیم مطرح در این مقاله نه نمونه (اولیس، هرکول، پان، پروتوس، سیرنگومیلی، سیکلوپیا، ژیگانتسم، ساتیر، فوبیا) به قهرمانان و خدایان اسطوره‌ای یونان و روم، و یک نمونه (زالی) برگرفته از اساطیر ایرانی است که البته این نمونه شهرت جهانی نداشته و در ایران به این نام خوانده می‌شود.

پزشکی و ادبیات نیز آمیختگی شدیدی با هم دارند و دنیای پزشکی و شاهکارهای ادبی مصداق این ارتباط متقابل هستند. شخصیت‌ها و قهرمانان آثار ادبی نمودهای دیگر اپونیم در حوزه‌ی علم پزشکی هستند که در این میان پنج نمونه (آلیس در سرزمین عجایب، پیک ویکن، هامپتی دامپتی، آگوچیک و رابین هود) به ادبیات انگلستان و سه نمونه (نفرین اوندین (البته اصل این داستان یونانی است)، بارون موشهاوزن، استراو پیتر) به ادبیات آلمان، یک نمونه (سندرم ینتل) به ادبیات لهستان و یک نمونه (پری دریایی) به همه‌ی ملل مربوط می‌شود.

گاه این اپونیم‌ها در سیمای شخصیت‌های مذهبی نمود می‌یابند، چنان‌که منشاء (سندرم لازاروس) به کتاب مقدس برمی‌گردد و رقص ویتوس نیز برگرفته از داستان قدیس سیسیلی است.

آثار هنری نیز دیگر تجلی‌گاه اپونیم‌ها از جمله اپونیم‌های پزشکی است. به نظر بسیاری از متفکران، در علم پزشکی، علم و هنر، مانند دو روی یک سکه از هم جدانشدنی هستند؛ حتی پدیدارشناسان، هنر را مقدم بر علم در حرفه‌ی پزشکی می‌دانند؛ زیرا حرفه‌ی پزشکی که با انسان سروکار دارد، از ابتدا با بدن زیسته در زیست جهان یا سوژه‌ی بدن‌مند یا عامل شناسای قصدمند و معنا ساز سروکار دارد. آگاهی پیش‌تأملی یا تجربیات ادراکی پیش‌علمی در این مرحله‌ی آغازین از ایهامی هنری برخوردار است، چنان‌که در شاهکار داونیچی از ایتالیا (مونالیزا) و آثار پیتر بروگل از هلند این امر نمود دارد.

سندرم «ینتل» مربوط به شیوع علائم و نشانه‌های ایسکمیک در گرفتگی کرونر (CAD)^۲ مربوط به زنان است که چون تحقیقات پزشکی عمدتاً بر روی علائم حمله‌ی قلبی مردان متمرکز شده بود، بسیاری از زنان به دلیل تشخیص اشتباه که بر مبنای نشانه‌های بیماری مردان بود، فوت می‌کرده‌اند. این بیماری را دکتر برنادین هلی^۳ در سال ۱۹۹۱ با عنوان «سندرم ینتل» معرفی کرد (۶۲). این سندرم از نام قهرمان یک داستان لهستانی با نام «ینتل پسر یشیوا» نشأت گرفته است. آیزاک باشویس سینگر^۴ پسریشیوا را در سال ۱۹۶۲ نوشته است و سال‌ها بعد، از آن برای نمایش در یک فیلم رمانتیک و دراماتیک اقتباس شد. این داستان، شرح حال دختری است که در لهستان زندگی می‌کند و چون طبق عرف جامعه آموزش برای زنان ممنوع بوده، مخفیانه نزد پدر آموزش می‌بیند. پس از مرگ پدرش نیز با ظاهر مردانه و نام برادر فقیدش آنشل به تحصیل می‌پردازد.

نتیجه‌گیری

جریان و تجلی اسطوره در زمینه‌های متفاوت زندگی، امری بدیهی است. درباره‌ی خاستگاه اسطوره‌ها در میان اسطوره‌شناسان اختلاف نظر وجود دارد. گروهی آن را ناشی از عشق انسان به جاودانگی و رویارویی او با مرگ و ناشناختگی مرگ می‌دانند و گروهی نیز اسطوره‌ها را محصول شناخت ناکافی و ترس‌ها، رویاها و آرزوهای تحقق‌نیافته بشر می‌دانند که گویی پایانی هم ندارند و گروهی دیگر هم اسطوره را ذاتی ذهن و حتی ساختار مغز بشر می‌دانند.

اگرچه برای انسان امروزی، اسطوره امری شگفت‌آور است، ولی ذهن بشر همواره با اسطوره درگیر بوده است؛ از این‌رو در علم پزشکی نیز ده‌ها اپونیم برای اصطلاحات

¹ Yentl Synd rome

² Coronary artery disease

³ Bernadine Healy

⁴ Isaac Bashevis Singer

9. Yashta, Translated by Pourdavoud E. Tehran: Asatir, 1997. در تدوین این پژوهش، اصل امانت‌داری و صداقت استناد به متون استفاده‌شده، اصالت منابع و پرهیز از جانب‌داری در مراجعه به متون یا تحلیل‌ها، رعایت شده است.
10. Amozgar J. History of Iranian mythology. Tehran: Samt, 1994.
11. Hinels JR. Understanding Persian Mythology Mythology. Translated by Farrokhi B. Tehran: Asatir, 2003
12. Bahar M. A research in Iranian mythology. Tehran: Tos publication, 1982.
13. Rasmi A. The Role of Iranians in the Origin of the Medical Symbol. Journal of Medical History, 2012; 4(10): 33-67. (in Persian)
14. Farnamian Y, Rasmi A. The correlation between the eponyms of medical sciences and mythology. Iranian Journal of Medical Ethics and History of Medicine. 2021; 14(1): 348-362.
15. Summerskill WHJ. Aguecheek's disease. Gut. 1978; 19: 468-469.
16. Blom JD, Looijestijn J, Goekoop R, et al. Treatment of Alice in Wonderland syndrome and verbal auditory hallucinations using repetitive transcranial magnetic stimulation. A case report with fMRI findings. Psychopathology. 2011; 44: 337-344.
17. Todd J. The Syndrome of Alice in Wonderland. Can Med Assoc J. 1955; 73(9): 701-704.
18. Bruno J, Brooks B, César F. Prodocimi Pedro Banho da Rosa Yara Dadalti Fragoso Alice in Wonderland syndrome: "Who in the world am I?" Síndrome de Alice no País das Maravilhas: "Quem sou eu no mundo?" Historical Note Arq. Neuro-Psiquiatr. 2019; 77 (9); <https://doi.org/10.1590/0004-282X20190094>
- تضاد منافع**
هیچ گونه تعارض منافع از سوی نویسندگان بیان نشده است.
- منابع**
1. Kudlowitz D. Medical eponyms: recognizing the medical greats. Clinical Correlations. The New York University Langone Online Journal of Medicine. 2014; June 11: 1-7.
 2. Koehler PJ, Bruyn GW, Pearce JM. (Eds.). Neurological eponyms. Oxford University Press. 2000.
 3. Maurer K, Maurer U. Alzheimer: The life of a physician and career of a disease. New York: Columbia University Press; 2003.
 4. Ruffner JA. Eponyms Dictionaries Index; Gale Research: Detroit, MI, USA, 1977.
 5. Rather LJ. Disease, life and man: selected essays by Rudolf Virchow. Stanford (CA): Stanford University Press, 1958.
 6. Al About D. Eponyms in medical literature linked to nurses. Our Dermatol Online. 2012; 3: 371-372.
 7. Giangrande PL. Six characters in search of an author: the history of the nomenclature of coagulation factors. Br. J. Haematol. 2003; 121 (5): 703-12.
 8. Monshizadeh D. Gilgamesh. 4th ed. Tehran: Akhtaran, 2021.

- osseous fusion associated with a neural tube defect. *Pediatr Radiol*, 1998; 28(5): 293-6.
29. Marsden CD. Blepharospasm oromandibular dystonia syndrome (Brueghel's syndrome). *J. Neurol. Neurosurg. Psychiatry*. 1976; 39: 1204-9.
 30. Brueghel P. Detail. Brussels, Musées Royaux des Beaux-Arts, 1564.
 31. Mokhlesi B, Kryger MH, Grunstein RR. Assessment and management of patients with obesity hypoventilation syndrome. *Proc Am Thorac Soc*. 2008; 15, 5(2): 218-25.
 32. Bray. Commantray on classics in obesity, What's in a Name? Mr. Dickens' "Pickwickian" Fat roni Ilie Department of Medicine. LSII Scliocil of Medicine and Penninglon Biomedical Researchli Center, 6400 Perkins Road. Baton R~ge. LA 70808. Copyright @19Y4 NAASO Boy Syndrome George A. Bray 380-383b, 1994; 15, 5(2): 218-25.
 33. Dickens Ch. The Posthumous Papers of the Pickwick Club. II. Sol Eytinge, Jr. Engraved by A. V. S. Anthony. The Diamond Edition. Boston: Ticknor and Fields, 1867.
 34. Rhead L, Hood Bold R. Robin Hood and His Outlaw Band: Their Famous Exploits in Sherwood Forest. New York and London: Harper & Brothers, 1912.
 35. Alexandrov AV, Sharma VK, Lao AY, Tsivgoulis G, Malkoff MD, Anne W. Alexandrov, Reversed Robin Hood Syndrome in Acute Ischemic Stroke Patients. *Stroke*. 2007; 38 (11): 3045-3048.
 36. Ferdowsi A. *Shahnameh*. Edited by Khaleghi Motlagh J. Tehran: Great
 19. Bilgin O, Rémi J, Noachtar S. Straw Peter Syndrome – A Literary Mistake? University of Munich, Klinikum Grosshadern Epilepsy Center, Munich, Germany *European Neurology*. 2008; 336-7.
 20. Stricker G, Widiger TA, (eds). *Handbook of Psychology. Clinical*, 2003; 8.
 21. Grimal P. *Dictionary of Greek & Roman Mythology*. Translated by Behmanesh A. Vols. 1 and 2. 5th Ed. Tehran: Amirkabir Publishing House, 2012.
 22. Jastrow O. From Wikipedia, the free encyclopedia, own work, from the *Iliade* exhibition at the Colosseum, September 2006-February 2007; <https://en.wikipedia.org/wiki/Odysseus>
 23. Nannapaneni R, Behari S, Todd NV, et al. fig Retracing "Ondine's curse". *Neurosurgery*. 2005; 154: 354-63.
 24. Severinghaus JW, Mitchell RA. Ondine's curse: failure of respiratory center automaticity while 152 awake. *Clin Res*. 1962; 10: 122.
 25. Kaplan HI, Sadock BJ. *Dissociative disorders. Synopsis of psychiatry, behavioral sciences-clinical psychiatry*. 8th Ed. Lippincott, Williams & Wilkins, Baltimore, 1998. p. 660-675.
 26. Alciati A, Moffitt John F. (ed.). *A Book of Emblems: The Emblematum Liber in Latin and English*. Jefferson, NC: McFarland, publisher: McFarland & Company, 2004.
 27. Graham FL. *Gehrig: A Quiet Hero*. Boston: Houghton Mifflin, 1969.
 28. Chen CP, Shih LS, Jan SW, et al. *Sirnornelia with an uncommon*

44. Källén B, Castilla EE, Lancaster PA, et al. The cyclops and the mermaid: an epidemiological study of two types of rare malformation. *J Med Genet*, 1992; 29: 30–5.
45. Cyclops. Marble head, circa 150 AD. Courtesy Museum of Antiquities, Turin.
46. Khanjani Z, Hashemi T, Vatani F. The effectiveness of desensitization through eye movements and reprocessing of symptoms of specific phobic disorder, *Journal of Psychological Achievements (Educational Sciences and Psychology) Shahid Chamran University of Ahvaz*. Fall and Winter, 2016; 4(23): 2, 1-20. (in Persian)
47. <https://www.theoi.com/Daimon/Deimos.html>
48. Linko K, Honkavaara P, Salmenpera M. Recovery after discontinued cardiopulmonary resuscitation. *The Lancet*, 1982; 1(8263): 106–107.
49. Sonja Adhiyaman AV, Sundaram R. The Lazarus phenomenon. *J R Soc Med*. 2007; 100(12): 552–557.
50. Yahaghi. *The Culture of Myths and Stories*. 6th Ed. Tehran: Contemporary Publications, 1398. (in Persian)
51. Murakami S, Miyamoto N. Alpha herpes virus and facialalsy. *Nippon Rinsho*, Chatagner A; 2010, 22: 352, 57(4): 906-11, 200.
52. Prakash J, Das RC, Srivastava K, Patra P, Khan SA, Shashikumar R. Munchausen syndrome: Playing sick or sick player. *Ind Psychiatry J*. 2014; 23(1): 68-70. doi: 10.4103/0972-6748.144975. PMID: 25535450; PMCID: PMC4261219.
- Islamic Encyclopedia Center, 2007. (in Persian)
37. Zampieri P, Scanarini M, Sicolo N, Andrioli G, Mingrino S. The acromegaly-gigantism syndrome. Report of four cases treated surgically *Surgical Neurology*. 1983; 20(6): 498-503.
38. Attributed to the the Suessula, Giant, Musée du Louvre S1677, Paris, 217568, ca 400 - 390 B.C. <https://www.theoi.com/Gallery>.
39. Potgieter MD, ChB MB, Giaquinto-Cilliers MGC, ChB MB. Mythological ears, a real deformity: A case of bilateral Stahl's ears in a South African girl. *South African journal of child health*. 2013; 7(2): 68-69.
40. Combe T, Hawkins E, Museum B. A Description Of The Collection of Ancient Marbles In The British Museum: With Engravings Hardcover. 2015; 1861, <https://world4.eu/satyr>.
41. Ameri E, Amini B, Behtash H, Fathi Gh. Scoliosis with syringomyelia, *Journal of Shahid Sadoughi University of Medical Sciences and Health Services*, 2006; 14(4): 19-15. (in Persian)
42. Mortazavi MM, Rompala OJ, Verma K, Tubbs I, Tubbs RS, Aaron A. Cohen-Gadol, Charles Prosper Ollivier d'Angers (1796–1845) and his contributions to defining syringomyelia, *Classics in Pediatric Neurosurgery*, 2011; 27(12): 2155-8.
43. Peron S. *Rome Myths*. Translated by Bajlan Farrokhi MH. 1st ed. Tehran: Asatir Publications, 1397. (in Persian)

- Contemporary Publications, 1398. (in Persian)
59. Ibn Rabbanah A. Ferdowsi al-Hikma in medicine. Efforted by Zubayr al-Sadiqiya M. Berlin, 1928. (in Persian)
 60. Ibn Hindu A. Meftah otteb va Menhaj ottollab. Efforted by Mohaghegh M and Daneshpajooch MT. Tehran: Tehran University, 1989. (in Persian)
 61. The fight of Heracles and the Nemean lion is one of his most famous feats. (Side B from a black-figure Attic amphora, c. 540 BCE), Group of London B 174 - User: Bibi Saint-Pol, own work, 2007; 06-15.
 62. Healy B. The Yentl syndrome. N Engl J Med, 1991, 25; 325(4): 274-6.
 53. Raspe RE. Illustrated by Cruikshank G. The Travels and Surprising Adventures of Baron Munchausen. London: William Tegg, 1868.
 54. Eftychiadis AC, Chen TS. Saint vitus and his dance. J Neurol Neurosurg Psychiatry. 2001; 70(1): 14. doi: 10.1136/jnnp.70.1.14.
 55. Bruegel P. d. Ä. - Das gesamte graphische Werk. Wien-München: Schroll [o. J.], Abb. Nr. 124 (Scan durch H.-P.Haack, Leipzig).
 56. Ford CV. A type of disability neurosis: the Humpty Dumpty syndrome. Int J Psychiatry Med. 1977-1978; 8(3): 285-94.
 57. Tenniel J. Humpty Dumpty. Original illustration, 1872.
 58. Yahaghi. The Culture of Myths and Stories, Sixth Edition, Tehran:

Cite this article as:

Farnamian Y, Rasmi A. Eponymous of Diseases Based on Mythology, Literature, and Art. Sadra Med Sci J 2023; 11(2): 191-210.